

رانت منابع طبیعی و کارآفرینی ضرورت یا فرصت

*هدی زبیری^۱، مانی موتامنی^۲، عاطفه رئیسی^۳

۱. استادیار اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. استادیار اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

(دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۶)

Natural Resource Rents and Opportunity and Necessity Entrepreneurship

*Hoda Zobeiri¹, Mani Motameni², Atefeh Reisi³

1. Assistant Professor of Economics, Department of Economics, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

2. Assistant Professor of Economics, Department of Economics, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

3. M.A. Student in Economics, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

(Received: 17/May/2018 Accepted: 7/Agu/2019)

چکیده:

Abstract:

Natural resource rents theoretically can stimulate entrepreneurship as a production inputs. In other hands, natural resource rents can change intensives of potential entrepreneur, reduce opportunity driven entrepreneurship and increase necessity driven entrepreneurship. However, necessity driven entrepreneurship is not is not an unproductive activity, but its impact on economic growth and development is very different from entrepreneurial activities that are based on innovative ideas and technologies which determine the productive capabilities of an economy. This paper has examined the effect of natural resource rents on opportunity driven entrepreneurship and necessity driven entrepreneurship in 45 selected countries during 2008-2017 using GMM. The results show that natural resource rents have significant negative impact on opportunity entrepreneurship while it has significant positive impact on necessity entrepreneurship. based on the results, oil rents managements along with control of corruption and improve institutional framework are necessary to increase opportunity entrepreneurship in oil rich countries.

رانت منابع نهادهای تولیدی است که می‌تواند محرک کارآفرینی در کشورهای غنی از منابع طبیعی باشد، اما در سوی مقابل رانت منابع طبیعی می‌تواند موجب تغییر انگیزه‌های کارآفرینان بالقوه، کاهش کارآفرینی فرصت و تبدیل آن به کارآفرینی ضرورت گردد. اگرچه کارآفرینی ضرورت، فعالیتی غیرمولد محسوب نمی‌شود اما اثرگذاری آن بر رشد و توسعه اقتصادی بسیار متفاوت با فعالیت‌های کارآفرینانه است که مبتنی بر فناوری‌ها و ایده‌های نوآورانه هستند و مرزها و قابلیت‌های تولیدی یک اقتصاد را تعیین می‌کنند. در پژوهش حاضر اثر رانت منابع طبیعی بر توسعه کارآفرینی (به تفکیک کارآفرینی فرصت و کارآفرینی ضرورت) در ۴۵ کشور در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۷ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا (GMM) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج برآورد مدل‌های تحقیق نشان داده است، رانت منابع طبیعی تأثیری منفی و معنادار بر کارآفرینی فرصت داشته است در حالی که این متغیر تأثیری مثبت و معنادار بر کارآفرینی ضرورت داشته است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، رانت منابع طبیعی به طور متوسط کاهش کارآفرینی فرصت را موجب شده است. نتایج این تحقیق، بیانگر ضرورت مدیریت رانت منابع طبیعی همراه با کنترل فساد و بهبود ساختار نهادی به منظور گسترش کارآفرینی فرصت در اقتصادهای غنی از منابع طبیعی است.

Keywords: Natural Resource Rents, Opportunity Entrepreneurship, Necessity Entrepreneurship, Dynamic Panel Regression.

JEL: Q34, C23, O31.

واژه‌های کلیدی: رانت منابع طبیعی، کارآفرینی فرصت، کارآفرینی

ضرورت، داده‌های تابلویی پویا.

طبقه‌بندی JEL: Q34, C23, O31.

* نویسنده مسئول: هدی زبیری (مقاله از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی اثر وفور منابع طبیعی بر کارآفرینی در کشورهای منتخب" در دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران استخراج شده است).

*Corresponding Author: Hoda Zobeiri

E-mail: h.zobeiri@umz.ac.ir

۱- مقدمه

اهمیت کارآفرینی در نیل به توسعه پایدار در ادبیات اقتصادی مورد تأکید بسیار قرار گرفته است (شومپتر^۱، ۱۹۳۴: ۱۳۷؛ آکس و آدرش^۲، ۱۹۸۸: ۶۷۸؛ بامول^۳، ۲۰۰۲: ۳۳۶-۱). شومپتر (۲۰۰۵: ۱۰۸) توسعه را تغییرات ناپیوسته اساسی^۴ می‌داند که به علت ظهور پدیده نوآورانه^۵ ایجاد می‌شود. به عقیده وی، توسعه، تخریب و برهم زدن یک شرایط باثبات و تعادل ایستا^۶ است، که منجر به تعادلی نامعین^۷ در آینده می‌شود، در حالی که رشد تغییرات تدریجی است. به عقیده شومپتر، کارآفرین^۸ منشأ اصلی تغییرات ناپیوسته (توسعه) بشمار می‌رود. پویایی‌های کارآفرینی با توجه به زمینه نهادی و سطح توسعه می‌توانند به طور وسیعی متفاوت باشند. محیطی که اقتصاد را شکل می‌دهد، بر پویایی‌های کارآفرینی در درون هر کشور اثر می‌گذارد. این محیط از طریق وابستگی‌های متقابل بین توسعه اقتصادی و بستر نهادی شناخته می‌شود که تعیین‌کننده‌های اساسی رفتار اقتصادی مبادلات اقتصادی هستند و می‌تواند آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر عرضه و تقاضای کارآفرینان بگذارد (پاداش و نیکونسبتی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). وفور منابع طبیعی یکی از این عوامل محیطی و اقتصادی است که اثرات بالقوه آن بر کارآفرینی از طریق دو مکانیسم رخ می‌دهد. مکانیسم اول این است که درآمدها و رانت حاصل از منابع طبیعی فرصت‌های شغلی جدیدی را از طریق ایجاد صنایع جدید (نفت و گاز) و صنایع پیشین و پسین آن برای کارآفرینان به وجود می‌آورد، علاوه بر این، با افزایش درآمد قابل تصرف و در نتیجه افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات، موجب گسترش و رشد کارآفرینی می‌شود. اگرچه همزمان، مکانیسم دومی وجود دارد که به کاهش کارآفرینی منجر می‌گردد؛ درآمدهای نفتی از آنجا که متعلق به دولت است، این امکان را می‌دهد که کارآفرینان بالقوه، جستجو و دستیابی به راه‌های نزدیک شدن به دولت و استفاده از رانت دولتی را به عنوان فرصت ببینند. در حقیقت، رانت بزرگی که از منابع طبیعی به دست می‌آید همراه با تضعیف نهادها و ساختارهای اقتصادی و سیاسی، انگیزه‌های گسترده‌ای در

بخش دولتی و خصوصی ایجاد می‌کند تا به فعالیت‌های رانت‌جویانه پرداخته شود، که در نتیجه آن کارگزاران اقتصادی نسبت به فعالیت‌های کارآفرینانه و مولد دلسرد شوند (توریک^۹، ۲۰۰۲: ۴۵۵؛ فرزنانگان^{۱۰}، ۲۰۱۲: ۳؛ مجبوری^{۱۱}، ۲۰۱۶: ۱۰). در این راستا برخی مطالعات از قبیل بالاند و فرانسوا^{۱۲} (۲۰۰۰: ۵۲۷)، توریک (۲۰۰۲: ۴۵۵)، فرزنانگان (۲۰۱۲: ۱۹-۱)، ابکه و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۵: ۷)، مجبوری (۲۰۱۶: ۱۰)، امیری و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۹: ۵۵۰) به بررسی و آزمون تجربی اثر منابع طبیعی بر کارآفرینی پرداخته‌اند. نکته قابل توجه این است که در تمامی این مطالعات، کارآفرینی به صورت یک شاخص کلی در نظر گرفته شده است. این در حالی است که تأثیرپذیری انواع فعالیت‌های کارآفرینانه از دو مکانیسم مثبت و منفی ذکر شده متفاوت است. فوتلساز و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۹: ۵) در مطالعه خود نشان می‌دهند اثر عوامل محیطی و نهادی بر دو نوع کارآفرینی فرصت^{۱۶} و کارآفرینی ضرورت^{۱۷} متفاوت است. منظور از کارآفرینی فرصت، شروع یک فعالیت کارآفرینی به علت فراهم بودن فرصت‌های مناسب کسب و کارهای نوآورانه است و منظور از کارآفرینی ضرورت شروع یک کسب و کار به علت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر و از سر ناچاری است. اگرچه هر دو نوع کارآفرینی فرصت و کارآفرینی ضرورت، فعالیتی مولد محسوب می‌شوند اما اثرگذاری آنها بر رشد و توسعه اقتصادی بسیار متفاوت است. بر این اساس، پژوهش حاضر این ویژگی را دارد که اثر رانت منابع طبیعی را بر کارآفرینی به تفکیک «کارآفرینی فرصت» و «کارآفرینی ضرورت» مورد بررسی قرار داده است. برای این منظور از روش گشتاور تعمیم یافته (GMM)^{۱۸} برای ۴۵ کشور توسعه یافته و در حال توسعه در بازه زمانی ۲۰۰۸-۲۰۱۷ استفاده شده است. این مقاله مشتمل بر ۵ بخش است. پس از مقدمه، در بخش دوم ادبیات پژوهش (نظری و تجربی) به‌طور اجمالی ارائه شده است. بخش سوم به تصریح مدل و روش پژوهش اختصاص یافته است. پس از آن، در بخش چهارم به برآورد الگوی تحقیق و ارائه نتایج تجربی پرداخته شده است و در نهایت در بخش

9. Torvik (2002)

10. Farzanegan (2012)

11. Majbouri (2016)

12. Baland & Francois (2000)

13. Ebeke et al. (2015)

14. Amiri et al. (2019)

15. Fuentelsaz et al. (2019)

16. Opportunity Entrepreneurship

17. Necessity Entrepreneurship

18. Generalized Method of Moments

1. Schumpeter (1934)

2. Acs & Audretsch (1988)

3. Baumol (2002)

4. Fundamental Discontinuous Change

5. Novel Phenomena

6. Static Equilibrium

7. Indeterminate Equilibrium

8. Entrepreneur

پنجم، جمع‌بندی و پیشنهادها بیان شده است.

۲- ادبیات تحقیق

۲-۱- مبانی نظری

وفور منابع در کشورهای غنی از منابع طبیعی تأثیرات متفاوت و بعضاً متضادی بر فرایند توسعه اقتصادی کشورها داشته است. در تئوری‌های مرسوم، وفور منابع طبیعی به عنوان یک نهاد تولیدی می‌تواند فرایند رشد و توسعه اقتصادی را تسریع نماید اما برای بسیاری از کشورها در عمل این‌گونه نبوده است و نه تنها به رشد و توسعه اقتصادی در این کشورها کمک چندانی نکرده است بلکه در مواردی حتی منجر به کند شدن فرایند رشد و توسعه اقتصادی شده است (گیلفاسون^۱، ۲۰۰۱: ۸۴۷؛ شاه‌آبادی و صادقی، ۱۳۹۴: ۷۹). ادبیات گسترده‌ای در رابطه با وفور منابع طبیعی و عملکرد اقتصادی کشورهای دارای منابع طبیعی وجود دارد که با نام نفرین منابع شهرت یافته‌اند (پربیش^۲، ۱۹۵۰: ۵۹؛ کوردن^۳، ۱۹۸۴: ۳۵۹؛ گلب^۴، ۱۹۸۸: ۳۶۹؛ نیری و ون‌ویجنبرگن^۵، ۱۹۸۶: ۱-۳۵۲؛ ساچس و وارنر^۶، ۱۹۹۹: ۴۳؛ ترول و لین^۷، ۱۹۹۹: ۱۳۹؛ آئوتی^۸، ۲۰۰۱: ۷۳-۱؛ کوکسد^۹، ۲۰۰۷: ۱۰۹۹؛ لدرمن و مالونی^{۱۰}، ۲۰۰۸: ۱؛ بولت و دامانیا^{۱۱}، ۲۰۰۸: ۱۶۸۲؛ ویک و بولت^{۱۲}، ۲۰۰۹: ۱۳۹؛ آرزکی و ون‌درپلوگ^{۱۳}، ۲۰۱۰: ۱۴۴۳). وفور منابع طبیعی می‌تواند از کانال‌های مختلفی از قبیل رانت‌جویی و گسترش فساد (آرزکی و بوچه^{۱۴}، ۲۰۰۹: ۱؛ ابکه و امگبا^{۱۵}، ۲۰۱۱: ۱)، کاهش انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی (فیلیپوت^{۱۶}، ۲۰۱۰: ۶۶۵؛ بلانکو و گریر^{۱۷}، ۲۰۱۲: ۲۸۱) کاهش بهره‌وری (ورنون و کیلوس^{۱۸}، ۲۰۱۳: ۲۲-۱)، عدم شفافیت و کارایی دولت و

تضعیف حکمرانی (بسه و گرونینگ^{۱۹}، ۲۰۱۳: ۲۰-۱؛ بولند^{۲۰}، ۲۰۱۲: ۲۸-۱) افزایش نابرابری (بوکلاتو و الساندرینی^{۲۱}، ۲۰۰۹: ۲۳-۱؛ مالای و همکاران^{۲۲}، ۲۰۱۵: ۱۶۴۴) بر عملکرد اقتصادی اثر بگذارد. مطالعه حاضر به بررسی اثر منابع طبیعی بر کارآفرینی متمرکز شده است. درآمدهای حاصل از رانت منابع طبیعی از طریق مکانیسم‌های مختلف، فعالیت‌های کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وجود رانت‌های بزرگ منابع طبیعی می‌تواند باعث بروز فساد گسترده در ساختار اقتصادی جامعه و کاهش کارایی اقتصادی گردد که منجر به تضعیف زمینه‌های توسعه کارآفرینی می‌گردد (آنوخین و شولز^{۲۳}، ۲۰۰۹: ۴۶۵؛ آونیملک و همکاران^{۲۴}، ۲۰۱۴: ۲۳۷). همچنین، درآمدهای حاصل از رانت منابع طبیعی به بزرگ شدن اندازه دولت و افزایش مخارج دولت (در مقابل کاهش بخش خصوصی) می‌انجامد. در چنین شرایطی منافع مالی حاصل از پروژه‌های رانتی وابسته به دولت بیش از منافع حاصل از کسب و کارهایی خواهد بود که مبتنی بر خلاقیت فردی، نوآوری و تولید است که در نتیجه به تضعیف فعالیت‌های کارآفرینانه منجر می‌گردد (پارکر^{۲۵}، ۲۰۰۴: ۳۴۴-۱؛ هنرکسون^{۲۶}، ۲۰۰۵: ۴۳۷؛ آیدیس و همکاران^{۲۷}، ۲۰۱۲: ۱۱۹).

از طرف دیگر، در کشورهای غنی از منابع طبیعی، عموماً، بخش کوچکی از جامعه در فعالیت‌های مولد نقش دارند؛ ولی اکثر مردم از بازتوزیع ثروت حاصل از صادرات منابع طبیعی بهره‌مند می‌گردند. به سخنی دیگر جامعه کالاها و خدماتی را مصرف می‌کند که بخش اعظم آن را با تلاش خود ایجاد نکرده، بلکه با استخراج منابع طبیعی و صدور آن به دیگر کشورها، کالاها و خدمات مورد نیاز را تأمین نموده است که در نتیجه بی‌توجهی به نوآوری و گسترش ظرفیت‌های تولیدی در این کشورها را به دنبال دارد.

اکثر کشورهای صادرکننده منابع طبیعی یارانه‌های هنگفتی بابت کالاها و خدماتی می‌کنند. دولت به دلیل کسب درآمد کافی از صادرات منابع طبیعی، مالیات کمتری وضع می‌کند؛ و از درآمدهای ناشی از صادرات منابع طبیعی،

1. Gylfason (2001)
2. Prebisch (1950)
3. Corden (1984)
4. Gelb (1988)
5. Neary & Van Wijnbergen (1986)
6. Sachs & Warner (1999)
7. Tornell & Lane (1999)
8. Auty (2001)
9. Coxhead (2007)
10. Lederman & Maloney (2008)
11. Bulte & Damania (2008)
12. Wick & Bulte (2009)
13. Arezki & van der Ploeg (2010)
14. Arezki & Bruckner (2009)
15. EBeke & Omgba (2011)
16. Philippot (2010)
17. Blanco & Grier (2012)
18. Vernon & Kulys (2013)

19. Busse & Groning (2013)
20. Bowland (2012)
21. Buccellato & Alessandrini (2009)
22. Mallay et al. (2015)
23. Anokhin & Schulze (2009)
24. Avnimelech et al. (2014)
25. Parker (2004)
26. Henrekson (2005)
27. Aidis et al. (2012)

طریق کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز منجر به کاهش فعالیت‌های کارآفرینانه می‌گردد (فرزانگان، ۲۰۱۴: ۷۰۶؛ محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۲).

با توجه به توضیحات فوق اثرات بالقوه رانت منابع طبیعی بر کارآفرینی را می‌توان در جعبه (۱) خلاصه کرد که از طریق دو مکانیسم رخ می‌دهد. مکانیسم اول موجب گسترش و رشد کارآفرینی و مکانیسم دوم موجب محدودیت و کاهش کارآفرینی می‌شود. شدت تأثیرپذیری فعالیت‌های کارآفرینانه از هر یک از دو مکانیسم فوق به کیفیت نهادهای کشورهای غنی از منابع طبیعی بستگی دارد. در حالی که افزایش درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در کشورهای با نهادهای ضعیف و فاسد می‌تواند منجر به کاهش کارآفرینی شود، در کشورهای با نهادهای کارآمد، کارآفرینی مولد را افزایش می‌دهد (مجبوری، ۲۰۱۶: ۱۰؛ امیری و همکاران، ۲۰۱۹: ۵۵۰).

جعبه ۱. اثر رانت منابع طبیعی بر کارآفرینی

مکانیسم اول: اثر مثبت رانت منابع طبیعی بر کارآفرینی

- افزایش درآمدها و فرصت‌های شغلی جدید از طریق ایجاد و گسترش صنایع جدید (نفت و گاز)
- افزایش درآمد قابل تصرف و افزایش تقاضای مصرفی

مکانیسم دوم: اثر منفی رانت منابع طبیعی بر کارآفرینی

- نفرین منابع، گسترش فساد، تضعیف نهادها و ساختارهای اقتصادی
- بزرگ شدن اندازه دولت، عدم شفافیت و ناکارایی دولت، تخصیص ناکارآمد منابع
- کاهش انباشت سرمایه‌های انسانی و فیزیکی

مأخذ: نظری

بوتکه و کوین^۲ (۲۰۰۳: ۶۷) معتقدند چون کارآفرینی حاصل رفتار و انتخاب انسان‌هاست بنابراین، کارآفرینی نمی‌تواند عامل توسعه باشد. بلکه برای تحقق توسعه، بسترهای معینی باید وجود داشته باشند تا از افراد رفتارهای کارآفرینانه تراوش کند. نهادها قواعد بازی هستند که فرصت‌هایی را برای سازمان‌های کارآفرین ایجاد می‌کنند. عاملان تغییر، کارآفرینان هستند؛ آنها به محرک‌های نهادی در جامعه واکنش نشان می‌دهند (پاداش و نیکونستی، ۱۳۸۷: ۱۲۹؛ زبیری، ۱۳۹۶: ۱۷۳). به عقیده بامل^۳ (۱۹۹۰: ۸۹۳) در محیطی که منافع و پاداش‌ها برای فعالیت‌های رانت جویانه، بیشتر از هزینه‌های

برای کسب حمایت مردم استفاده می‌نماید. سهم مالیات از کل درآمد دولت بسیار پایین است و مردم از خدمات عمومی استفاده می‌کنند که غالباً از درآمدهای ارزی حاصل از صادرات منابع طبیعی تأمین مالی شده است. از آنجا که مردم در تأمین درآمدهای دولت نقشی ندارند، دولت نیز خود را موظف به اعلام شفاف درآمدها و هزینه‌های خود نمی‌بیند و در مقابل مردم و نمایندگان آنها پاسخگو نیست. بدین ترتیب چنانچه دولتی سیاست‌های کلان اقتصادی نامناسبی را اعمال کند که هزینه‌های سنگینی را در میان مدت و بلندمدت بر مردم تحمیل نماید، می‌تواند این سیاست‌ها را برای مدت زمانی طولانی ادامه دهد. در نتیجه تخصیص غیرکارآمد منابع و کاهش سرمایه اجتماعی از ویژگی‌های برجسته اغلب کشورهایی است که از منابع غنی طبیعی برخوردار می‌باشند (مجبوری، ۲۰۱۶: ۱۰؛ محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۷). طبق مطالعه چراغی و همکاران (۱۳۹۸: ۷۷) دو متغیر بهره‌وری نیروی کار و کارآفرینی که عوامل مهم پایداری رشد اقتصادی هستند بیشترین اثر منفی را از کاهش سرمایه اجتماعی و تخصیص ناکارآمد منابع متحمل می‌شوند.

یکی دیگر از کانال‌های اثرگذاری وفور منابع طبیعی بر کارآفرینی، بی‌توجهی کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی به توسعه کیفی آموزش و ارتقاء دانش و مهارت نیروی کار و انباشت سرمایه انسانی و هزینه‌های پایین تحقیق و توسعه R&D است که به عملکرد ضعیف اقتصادی در این کشورها منجر می‌شود. در این کشورها برای تحول صنعتی و حضور در بازارهای صادراتی و رقابتی تلاش چندانی صورت نمی‌پذیرد. به همین دلیل برای نیروی انسانی ماهر و دانش تقاضای زیادی وجود ندارد. در نتیجه انگیزه چندانی برای فعالیت‌های کارآفرینانه وجود ندارد (دییپترو^۱، ۲۰۱۵: ۲۰۲).

همچنین، در کشورهای با رشد اقتصادی بالاتر، فعالیت‌های کارآفرینانه و نوآوری بیشتری وجود دارد. لذا، وابستگی به منابع طبیعی از طریق کاهش رشد اقتصادی (نفرین منابع) نیز منجر به کاهش فعالیت‌های کارآفرینانه می‌شود. علاوه بر این، بالا بودن رانت منابع طبیعی می‌تواند بر حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر معکوس داشته باشد. از آنجا که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی ضمن تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها با انتقال تکنولوژی و دانش ضمنی به کشور میزبان همراه هستند، لذا می‌توان گفت رانت منابع طبیعی از

2. Boettke & Coyne (2003)

3. Baumol (1990)

1. Di Pietro (2015)

ناچاری و فقدان فرصت‌های شغلی بهتر و نه شروع یک فعالیت کارآفرینی به علت فراهم بودن فرصت‌های مناسب کسب و کارهای نوآورانه به ویژه از طریق ادغام دانش و فناوری‌های پیشرفته در قالب شبکه‌های بزرگ و پیچیده باشد (زیبری، ۱۳۹۶: ۱۷۳). مرکز «دیدبان جهانی کارآفرینی»^۵ (GEM)، فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای که به علت ضرورت شروع یک کسب و کار به علت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر انجام می‌شوند را «کارآفرینی ضرورت» و فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای که به علت فراهم بودن فرصت‌های مناسب کسب و کار انجام می‌شوند را «کارآفرینی فرصت» نامیده است. اگر چه همان‌گونه که فونتلساز و همکاران (۲۰۱۹: ۵) بیان می‌کنند هر دو نوع کارآفرینی فرصت و ضرورت، مولد محسوب می‌شوند اما اثر کارآفرینی ضرورت بر رشد اقتصادی بسیار متفاوت با کارآفرینی نوآورانه مبتنی بر فناوری‌ها و ایده‌هایی است که مرزها و قابلیت‌های تولیدی یک اقتصاد را تعیین می‌کنند.

۲-۲- پیشینه تجربی

بالاند و فرانسوا در مطالعه خود با معرفی مدلی نشان می‌دهند تحت چه شرایطی رشد درآمدهای حاصل از منابع طبیعی به افزایش و گسترش رانت‌جویی و کاهش فعالیت‌های کارآفرینانه منجر می‌گردد. ایشان در چارچوب این مدل نشان می‌دهند تعادل‌های چندگانه برای تخصیص نیروی کار میان رانت‌جویی و کارآفرینی وجود دارد. با افزایش درآمدهای حاصل از منابع طبیعی مانند دوران رونق نفتی، فعالیت‌های رانت‌جویی افزایش و فعالیت‌های کارآفرینانه کاهش می‌یابد. اما چنانچه در هنگام وقوع رونق نفتی، بخش زیادی از افراد از قبل در فعالیت‌های کارآفرینی مشغول بوده باشند، این رونق می‌تواند موجب تقویت کارآفرینی گردد (بالاند و فرانسوا، ۲۰۰۰: ۵۲۷).

توریک در مطالعه خود نشان می‌دهد رانت بالای منابع طبیعی، بیشترین عامل انتقال کارآفرینان از بخش مولد اقتصاد به فعالیت‌های رانت‌جویانه غیرمولد محسوب می‌گردد. نتایج مطالعه ایشان نشان می‌دهد کاهش درآمد در نتیجه کاهش کسب و کارهای کارآفرینانه مولد، بیشتر از افزایش درآمد حاصل از منابع طبیعی است. در نتیجه منابع طبیعی بیشتر به رفاه کمتر می‌انجامد (توریک، ۲۰۰۲:).

فرزانگان با استفاده از مدل توریک (۲۰۰۲) و بکارگیری روش داده‌های تابلویی به آزمون تجربی اثر رانت منابع طبیعی

آنها است، کارآفرینی نابهره‌ور^۱ (نامولد) پدید خواهد آمد. کارآفرینی نامولد، به نوعی کارآفرینی گفته می‌شود که به کارآفرین منفعت می‌رساند، ولی برای کل اقتصاد منافی ندارد. به طور مشابه، اگر منافع مشغول شدن در فعالیت کارآفرینی غیرقانونی، بیشتر از هزینه‌های آن باشد، کارآفرینان بیشتر به کارآفرینی مخرب^۲ گرایش خواهند داشت. کارآفرینی مخرب، به نوعی کارآفرینی گفته می‌شود که محل توسعه اقتصادی است. برعکس، اگر انگیزه‌ها به سوی کارآفرینی بهره‌ور^۳ (مولد) گرایش داشته باشند، یعنی کارآفرینی که اثر مثبت بر رشد دارد، آنگاه این شکل کارآفرینی، اولویت خواهد داشت. در هر مورد، کارآفرینان به انگیزه‌های موجود در محیط‌شان، هم در شکل مقررات (به تعبیر نورث، قواعد رسمی) و هم بر حسب هنجارها و ارزش‌های فرهنگی غالب (قواعد غیررسمی) اهمیت می‌دهند. این بدان معنا نیست که یک فرد واحد، بسته به ساختار انگیزشی، در کارآفرینی بهره‌ور، نامولد یا مخرب به فعالیت مشغول می‌شود، بلکه بدان معناست که افراد مختلف در ساختارهای انگیزشی مختلف، فعالیت‌های کارآفرینانه را شروع می‌کنند. هنگامی که حقوق مالکیت، سیستم قضایی، اجرای قراردادها، و اعمال محدودیت بر قدرت دخل و تصرف دولت در انتقال ثروت از کانال مقررات‌ها و مالیات‌ها بصورت کارآمد باشند، سودآوری کارآفرینی غیرمولد کاهش می‌یابد و در این شرایط افراد خلاق به سمت ایجاد نوآوری و خلق ثروت از طریق کارآفرینی گرایش پیدا می‌کنند. بر این اساس، تفاوت میزان کارآفرینی بخش خصوصی در کشورهای مختلف تا حدی ناشی از تفاوت در انگیزه کارآفرینان است که خود برآمده از کانال‌های غالب دریافت پاداش و سودآوری در جامعه است (دوتا و همکاران،^۴ ۲۰۱۳: ۱۳۰). هیچ تضمینی وجود ندارد که یک کارآفرین بالقوه، وقت و تلاش خود را صرف فعالیت مولد کند. کیفیت و نوع فعالیت کارآفرینان به عوامل محیطی، ساختارهای اقتصادی و سیاسی و نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه بستگی دارد. وجود رانت‌های بزرگ منابع طبیعی با تشدید گرایش‌های رانت‌جویانه باعث می‌شوند حتی آن دسته از کارگزاران اقتصادی که علی‌رغم تمامی موانع و نارکارایی‌های موجود در چنین جوامعی، به فعالیت‌های کارآفرینی روی می‌آورند، تنها به علت ضرورت شروع یک کسب و کار از سر

1. Unproductive Entrepreneurship
2. Destructive Entrepreneurship
3. Productive Entrepreneurship
4. Dutta et al. (2013)

5. Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

امیری و همکاران به بررسی اثر رانت منابع طبیعی و کیفیت نهادها بر عملکرد بخش‌های مختلف اقتصاد در ۲۸ کشورهای غنی از منابع طبیعی طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ و با استفاده از روش داده‌های تابلویی می‌پردازند. نتایج مطالعه ایشان نشان می‌دهد اثر رانت منابع طبیعی بر کارآفرینی در صنایع کارخانه‌ای به کیفیت نهادها بستگی دارد. بر اساس مطالعه ایشان، افزایش کیفیت نهادها می‌تواند موجب رشد و گسترش کارآفرینی در کشورهای غنی از منابع طبیعی گردد (امیری و همکاران، ۲۰۱۹: ۵۵۰).

فونتلساز و همکاران اثر نهادهای رسمی (کارایی دولت، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد) را بر کارآفرینی فرصت و ضرورت در ۱۸۹ کشور منتخب توسعه یافته و در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ با استفاده از روش پانل نامتوازن مورد مطالعه قرار می‌دهند. نتایج مطالعه ایشان نشان می‌دهد افزایش و بهبود نهادهای رسمی اثر مثبت بر کارآفرینی فرصت و اثر منفی بر کارآفرینی ضرورت داشته است (فونتلساز و همکاران، ۲۰۱۹: ۵).

در میان مطالعات داخلی نیز، جوادی و همکاران نشان می‌دهند دولت‌های کشورهای غنی نفتی با گسترش بیش از حد در اقتصاد با استفاده از درآمدهای حاصل از رانت منابع طبیعی، به ایجاد و حفظ ساختاری رانتی و اغلب متمرکز محیط کسب و کاری می‌انجامد که بر کارآفرینی اثر منفی دارد (جوادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

محمدزاده و همکاران در مطالعه خود به بررسی اثر رانت منابع طبیعی بر توسعه کارآفرینی در ۳۲ کشور منتخب طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴ و با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا می‌پردازند. نتایج مطالعه ایشان نشان می‌دهد وجود رانت منابع طبیعی از کانال کاهش فعالیت‌های تحقیق و توسعه، ایجاد محدودیت در آموزش و سرمایه انسانی و نیز کاهش سرمایه‌گذاری خارجی موجب کاهش کارآفرینی می‌گردد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۷).

زبیری به بررسی اثر شاخص ریسک سیاسی بر توسعه کارآفرینی (به تفکیک کارآفرینی فرصت و کارآفرینی ضرورت) در ۴۵ کشور در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۸ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پراخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ریسک سیاسی تأثیری منفی و معنی‌دار بر کارآفرینی فرصت داشته است در حالی که این متغیر تأثیری مثبت و معنی‌دار بر کارآفرینی ضرورت داشته است (زبیری، ۱۳۹۶: ۱۷۳).

بر کارآفرینی در ۸۰ کشور طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۴ می‌پردازد و نشان می‌دهد وابستگی بالاتر کشورها به رانت منابع طبیعی، فعالیت‌های کارآفرینانه را کاهش می‌دهد فرزنانگان (۲۰۱۲: ۱۹-۱).

بجوران و فرزنانگان^۱ با مطالعه ۱۲۰ کشور طی دوره ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۶ نشان می‌دهند رانت منابع طبیعی می‌تواند منجر به افزایش بیکاری در کشورهای غنی از منابع طبیعی گردد. نتایج این تحقیق در هر دو شرایط نهادی ضعیف و کارا برقرار بوده است. بر اساس مطالعه ایشان رانت بالای منابع طبیعی با برون‌رانی (crowding out) صنایع کارخانه‌ای، ظرفیت جذب مؤثر جوانان تازه‌وارد به بازار کار را کاهش می‌دهد و منجر به بیکاری جوانان یا اشتغال آنان در مشاغل با بهره‌وری پایین می‌گردد (بجوران و فرزنانگان، ۲۰۱۳: ۳۳۷).

فرزانگان با مطالعه ۶۵ کشور طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ و با کارگیری روش داده‌های تابلویی به آزمون تجربی نفرین منابع می‌پردازد و نشان می‌دهد رابطه منفی و معناداری میان وابستگی به رانت منابع طبیعی و شاخص کارآفرینی وجود دارد و کشورهای غنی از منابع طبیعی با به حاشیه راندن فعالیت‌های کارآفرینی دچار نفرین منابع می‌شوند. همچنین، نتایج مطالعه ایشان نشان می‌دهد در میان شاخص‌های مختلف حکمرانی خوب، تنها، شاخص کارایی دولت است که اثر تعدیل‌کننده در رابطه میان رانت منابع طبیعی و کارآفرینی دارد (فرزانگان، ۲۰۱۴: ۷۰۶).

ابکه و همکاران به بررسی اثر رانت نفت بر تخصیص قابلیت‌های موجود در جامعه برای ۶۹ کشور در حال توسعه طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶ می‌پردازند و نشان می‌دهند اینکه استعدادها و توانمندی‌های موجود در جوامع غنی از منابع طبیعی به سمت فعالیت‌های رانت‌جویی یا کارآفرینانه و مولد سوق یابد به کیفیت نهادهای این جوامع بستگی دارد (ابکه و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۱-۱).

مجبوری به بررسی اثر رانت نفت بر کارآفرینی با مطالعه ۵۰ کشور طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۴ و استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد افزایش درآمدهای نفتی در کشورهای با نهادهای ضعیف و فاسد منجر به کاهش کارآفرینی می‌شود. در مقابل، سود حاصل از درآمدهای نفتی در محیط‌های با نهادهای کارآمد و کنترل فساد، کارآفرینی مولد را افزایش می‌دهد (مجبوری، ۲۰۱۶: ۱۰).

1. Bjorvatn & Farzanegan (2013)

۳- روش‌شناسی

به منظور برآورد اثر رانت منابع طبیعی بر کارآفرینی بر مبنای مطالعه مجبوری (۲۰۱۶: ۱۰) مدل زیر تصریح می‌شود:

(۱)

$$Ent\ Opp = f(Rr, Gg, Cc) + U_{it}$$

(۲)

$$Ent\ Nes = f(Rr, Gg, Cc) + U_{it}$$

که در آن $Ent\ Opp$ کارآفرینی فرصت و $Ent\ Nes$ کارآفرینی ضرورت است. Rr رانت حاصل از منابع طبیعی، Gg نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، Cc کنترل فساد است. داده‌های کارآفرینی از منبع اطلاعاتی "دیدبان جهانی کارآفرینی"^۱ (GEM) گردآوری شده‌اند. سایر داده‌ها از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی^۲ گردآوری شده‌اند.

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش مربوط به دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ می‌باشد. میانگین شاخص‌های کارآفرینی نشان می‌دهد که در کشورهای نروژ، سوئیس، استرالیا، مالزی، فرانسه، دانمارک، فنلاند و امریکا بالاترین رتبه کارآفرینی فرصت وجود دارد. نکته قابل توجه این است که در همین کشورها کمترین نرخ کارآفرینی ضرورت شکل گرفته است. هرچند دو نوع کارآفرینی ضرورت و فرصت متغیرهای جمع یک نیستند و افزایش یکی الزاماً منجر به کاهش دیگری نمی‌گردد اما در عمل عموم کشورهایی که دارای نرخ مناسب کارآفرینی فرصت هستند؛ کارآفرینی ضرورت پایینی دارند. در نمودار (۱) میانگین کارآفرینی فرصت و ضرورت همه کشورهای مورد مطالعه نشان داده شده است.

متوسط نرخ کارآفرینی فرصت در بین کشورها ۵۲ می‌باشد. این شاخص در ایران نزدیک به ۴۷ است. یعنی نرخ کارآفرینی فرصت در ایران کمتر از متوسط جهانی می‌باشد. این نرخ در کشور ترکیه به عنوان رقیب منطقه‌ای ۵۶ می‌باشد. در سوی مقابل نرخ متوسط کارآفرینی ضرورت ۲۴ است. این نرخ در ایران ۳۷ و در ترکیه ۲۸ می‌باشد. به عبارتی ایجاد کارآفرینی مبتنی بر ضرورت که محتوای فناوری و گسترش قابلیت‌های تولیدی در آن نهفته نیست در ایران بیشتر از نرخ متوسط جهانی است.

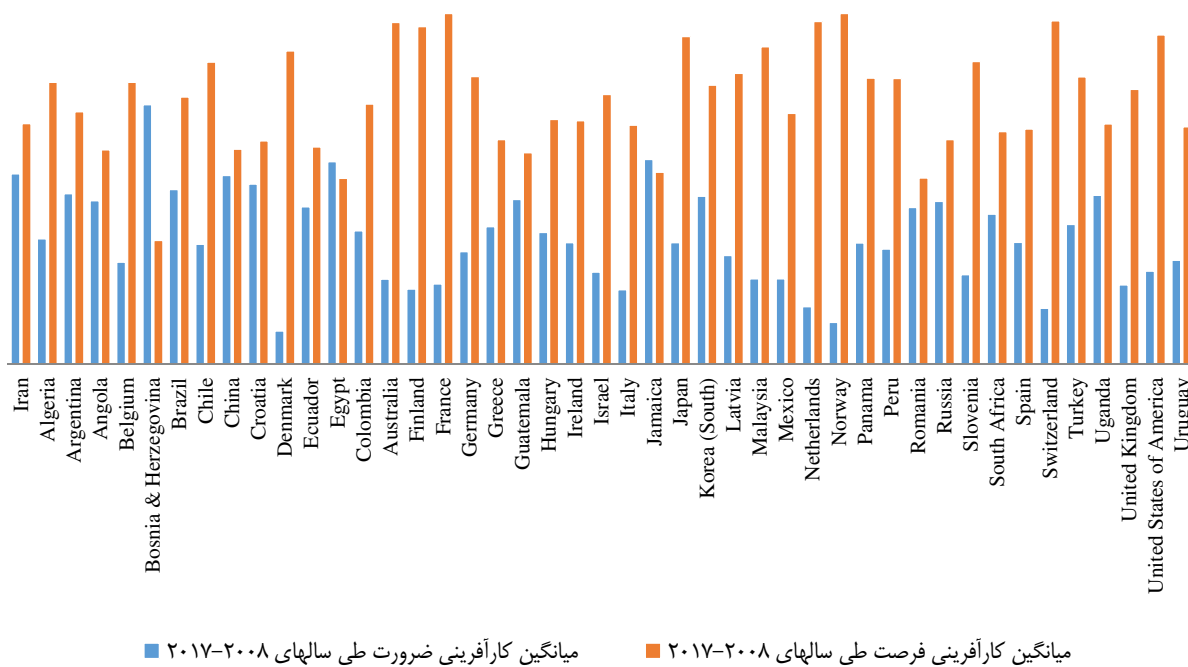
مودتی و همکاران به بررسی اثر محیط نهادی و کارآفرینی بر رشد اقتصادی با مطالعه ۳۰ کشور منتخب طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۹ و با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا (گشتاورهای تعمیم‌یافته) می‌پردازند. نتایج این تحقیق بیانگر وجود اثر معنادار میان کارآفرینی فرصت و نهادهای رسمی و غیررسمی بر رشد اقتصادی بوده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه، شکل‌گیری نوع فعالیت‌های کارآفرینی و نحوه تأثیرگذاری آن بر رشد اقتصادی، به نهادهای رسمی و غیررسمی و سطح توسعه‌یافتگی کشورها بستگی دارد (مودتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۲۱).

شیراوند و همکاران اثر نهادهای رسمی (حاکمیت قانون و کنترل فساد) و غیر رسمی (ترس از شکست و درک قابلیت کارآفرینانه) بر کارآفرینی و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه منا طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۸ را با استفاده از داده‌های تابلویی و روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد حاکمیت قانون و کنترل فساد تأثیر مثبت و معنادار، و ترس از شکست رابطه منفی و معنادار بر کارآفرینی داشته است. همچنین درک قابلیت کارآفرینانه تأثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی نداشته است (شیراوند و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۹).

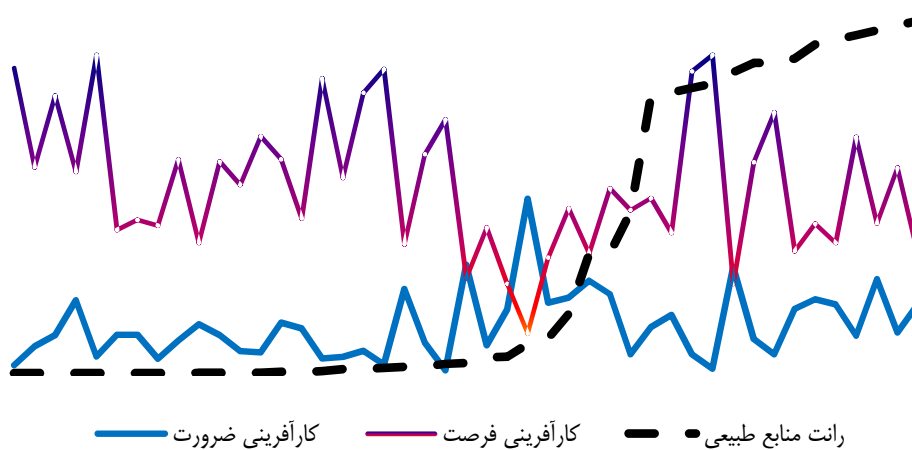
همان‌طور که ملاحظه می‌شود مطالعات متعددی به بررسی اثر رانت منابع طبیعی بر کارآفرینی پرداخته‌اند. در تمام مطالعات ذکر شده، کارآفرینی به صورت یک شاخص کلی مد نظر محققان بوده است. هیچ یک از مطالعات مذکور تأثیرپذیری انواع کارآفرینی (به تفکیک کارآفرینی فرصت و کارآفرینی ضرورت) از رانت منابع طبیعی را مورد بررسی قرار نداده‌اند. در این میان، تنها، فونتل‌ساز و همکاران (۲۰۱۹: ۵) تأثیرپذیری انواع کارآفرینی از انواع نهادهای رسمی را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین از میان مطالعات داخلی، زبیری (۱۳۹۶: ۱۷۳) و مودتی و همکاران (۱۳۹۷: ۵۲۱) نیز تأثیرپذیری انواع کارآفرینی را از ریسک سیاسی و محیط نهادی مورد بررسی قرار داده‌اند. به دنبال این مطالعات، پژوهش حاضر تأثیرپذیری انواع کارآفرینی از رانت منابع طبیعی را هدف قرار داده است. برای این منظور مطالعه مجبوری (۲۰۱۶: ۱۰) مبنای کار قرار گرفته است. اما برخلاف مجبوری (۲۰۱۶: ۱۳) - که کارآفرینی را به عنوان یک شاخص کلی معرفی نموده است - این تحقیق کارآفرینی را به تفکیک کارآفرینی فرصت و کارآفرینی ضرورت مورد بررسی قرار داده است.

1. Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

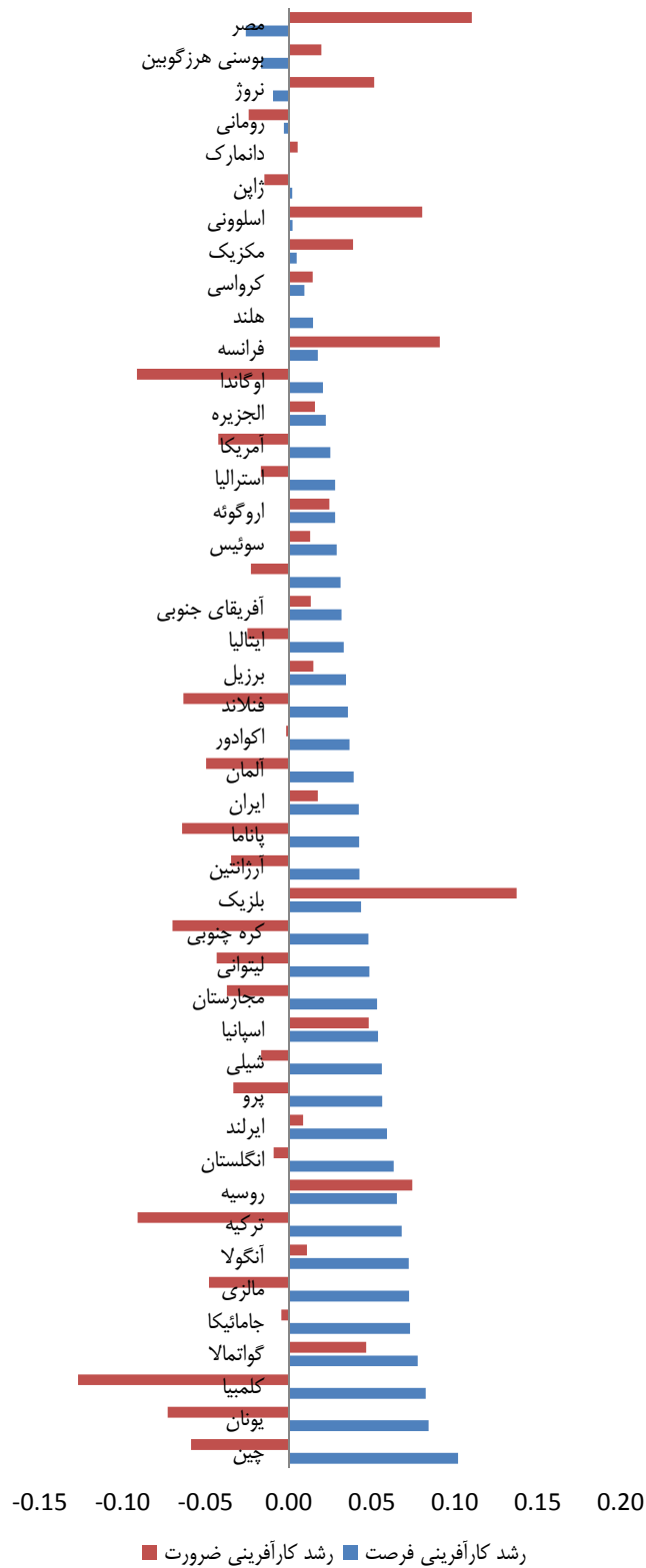
2. World Bank



نمودار ۱. کارآفرینی ضرورت و فرصت
مأخذ: محاسبه تحقیق



نمودار ۳. رانت منابع طبیعی و کارآفرینی
مأخذ: محاسبه تحقیق



نمودار ۲. رشد کارآفرینی طی سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷
 مأخذ: محاسبه تحقیق

می‌گردد. آزلانو و باند^۱ (۱۹۹۱: ۷۷) با به‌کارگیری تفاضل مرتبه اول به عنوان متغیر ابزاری این مشکل را برطرف نموده‌اند. همچنین آزلانو و باند (۱۹۹۱: ۷۷) آزمون سارگان را جهت اعتبارسنجی الگو معرفی نموده‌اند. عدم همبستگی بین ابزارها و جمله خطا شرط اعتبار الگو است. در آزمون سارگان فرضیه صفر عدم وجود همبستگی سریالی بین آنها است.

جدول ۱. نتایج برآورد مدل کارآفرینی فرصت

متغیر	ضریب	آماره t	P-value
<i>Ent Opp(-1)</i>	۰/۵۴	۳۸/۹۹	۰/۰۰
<i>Rr</i>	-۴/۱۵	-۶/۱۵	۰/۰۰
<i>Gg</i>	۰/۹۵	۵/۸۸	۰/۰۰
<i>Cc</i>	۵/۳۳	۱/۹۱	۰/۰۵۶

مأخذ: برآورد تحقیق

جدول ۲. نتایج برآورد مدل کارآفرینی ضرورت

متغیر	ضریب	آماره t	P-value
<i>Ent Nes(-1)</i>	۰/۱۳	۲/۳۴	۰/۰۱
<i>Rr</i>	۰/۴۷	۲/۲۴	۰/۰۲
<i>Gg</i>	-۰/۳۹	-۴/۹۸	۰/۰۰
<i>Cc</i>	۸/۰۲	۵/۰۷	۰/۰۰

مأخذ: برآورد تحقیق

نتایج برآورد مدل‌های تحقیق در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است. رانت منابع طبیعی تأثیری منفی و معنادار بر کارآفرینی فرصت داشته است در حالی که این متغیر تأثیری مثبت و معنادار بر کارآفرینی ضرورت داشته است. افزایش رانت منابع طبیعی با بزرگ شدن اندازه دولت، تخصیص غیرکارآمد منابع به سمت رانت‌جویی و فعالیت‌های غیرمولد موجب ناکارایی فضای کسب و کار و گسترش ناطمینانی در فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌شود و به تبع آن فرصت فعالیت‌های کارآفرینانه نیز تحت این اثرات منفی قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، با افزایش رانت منابع طبیعی و کاهش ظرفیت و توان حفظ امنیت سرمایه‌گذاران و در نتیجه کاهش فرصت‌های کارآفرینانه، احساس نیاز و ضرورت شروع یک کسب و کار به علت فقدان فرصت‌های شغلی بهتر در جامعه افزایش می‌یابد. لذا رانت منابع طبیعی تأثیری مثبت بر کارآفرینی ضرورت داشته است.

کارآفرینی ضرورت در کشورهای مورد بررسی و طی ۱۰ سال منتهی به ۲۰۱۷ به‌طور متوسط ۱ درصد کاهش یافته است در حالی که این نوع کارآفرینی در ایران ۲ درصد رشد مثبت داشته است. اما رشد کارآفرینی فرصت در ایران متناسب با متوسط این نرخ در جهان و برابر با ۴ درصد بوده است. اما همان‌طور که مشاهده می‌شود در کشورهایی نظیر چین رشد مثبت کارآفرینی فرصت با کاهش کارآفرینی ضرورت همراه بوده است. سه کشور چین، یونان و کلمبیا موفق به ایجاد بیشترین نرخ رشد در کارآفرینی فرصت شده‌اند. در طی این سال‌ها کارآفرینی ضرورت در هر سه کشور به شدت کاهش یافته است.

نمودار (۳) ارتباط بین رانت منابع طبیعی و انواع کارآفرینی را نشان می‌دهد. سهم رانت منابع طبیعی از تولید ناخالص داخلی در کشورهای آنگولا، الجزیره، شیلی، ایران و روسیه در بالاترین سطح قرار دارد. این شاخص در کشورهای سوئیس، بلژیک، ژاپن و کره جنوبی در کمترین سطح است. در کشوری نظیر سوئیس که دارای کمترین نرخ رانت منابع طبیعی است، کارآفرینی فرصت بسیار زیاد و کارآفرینی ضرورت بسیار اندک است. اما این مثال نمی‌تواند بیانگر یک رابطه از پیش تعیین شده بین منابع طبیعی و نوع کارآفرینی باشد چرا که در کشوری نظیر نروژ که رانت منابع طبیعی بالایی دارد نیز کارآفرینی فرصت در وضعیت مناسبی است و در کشوری نظیر کرواسی که رانت اندکی در منابع طبیعی دارد، کارآفرینی ضرورت زیاد است. رانت منابع طبیعی در شیلی بیشتر از ایران است اما نرخ کارآفرینی فرصت سال ۲۰۱۷ شیلی در سطح موفق‌ترین کشورهای جهان قرار دارد. بنابراین تشخیص رابطه بین این متغیرها با نمودار یا جداول ساده امکان‌پذیر نیست و از این رو به کمک یک الگوی رگرسیونی که در بخش بعد توضیح داده خواهد شد، رابطه بین متغیرها برآورد می‌گردد.

۴- نتایج برآورد مدل

در این مطالعه به منظور ارزیابی تأثیر رانت منابع طبیعی بر کارآفرینی از روش پانل پویا استفاده شده است که ضرایب آن با روش گشتاورهای تعمیم یافته برآورد می‌شوند. از آنجایی که متغیر کارآفرینی به سابقه خود وابسته است نمی‌توان الگو را بدون در نظر گرفتن وقفه متغیر وابسته تصریح نمود. اما چنین تصریحی در داده‌های تابلویی موجب تورش برآوردگر OLS

برای بهره‌برداری از یک فرصت دست به کارآفرینی می‌زنند. مرکز «دیدبان جهانی کارآفرینی»، فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای نوع اول را «کارآفرینی ضرورت» و فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای نوع دوم را «کارآفرینی فرصت» نامیده است.

بر این اساس، تأکید این مقاله بر بررسی تفاوت تأثیرپذیری انواع فعالیت‌های کارآفرینانه از رانت منابع طبیعی بوده است. بدین منظور اثر رانت منابع طبیعی بر کارآفرینی فرصت و کارآفرینی ضرورت در ۴۵ کشور در حال توسعه و توسعه یافته طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۸ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا (GMM) برآورد شده است. نتایج برآورد مدل‌های تحقیق نشان داده است که رانت منابع طبیعی تأثیری منفی و معنادار بر کارآفرینی فرصت داشته است در حالی که این متغیر تأثیری مثبت و معنادار بر کارآفرینی ضرورت داشته است. وجود رانت‌های بزرگ منابع طبیعی با تشدید گرایش‌های رانت‌جویانه و سایر مکانیسم‌های بیماری هلندی موجب تضعیف عملکرد اقتصاد کلان و ناکارایی فضای کسب و کار می‌گردد که در نهایت باعث می‌شود حتی آن دسته از کارگزاران اقتصادی که علی‌رغم تمامی موانع و ناکارایی‌های موجود در چنین جوامعی، به فعالیت‌های کارآفرینی روی می‌آورند، تنها به علت ضرورت شروع یک کسب و کار از سر ناچاری و فقدان فرصت‌های شغلی بهتر باشد و نه شروع یک فعالیت کارآفرینی به علت شناسایی حوزه‌هایی از کسب و کار که بیشترین فرصت‌های نوآوری مبتنی بر توانایی علمی و فنی و رشد قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک اقتصاد باشد. نتایج برآورد مدل تحقیق همچنین نشان داده است که رشد اقتصادی تأثیری مثبت و معنادار بر کارآفرینی فرصت و تأثیری منفی و معنادار بر کارآفرینی ضرورت داشته است در حالی که کنترل فساد تأثیری مثبت و معنادار بر هر دو متغیر کارآفرینی فرصت و کارآفرینی ضرورت داشته است.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، رانت منابع طبیعی به طور متوسط کاهش کارآفرینی فرصت را موجب شده است. اما این نتیجه به این معنا نیست که لزوماً فرصت‌های کارآفرینی در کشورهای دارای منابع طبیعی کاهش می‌یابد. همچنان که مطالعات گذشته مانند مجبوری (۲۰۱۶: ۱۰) و امیری و همکاران (۲۰۱۹: ۵۵۰) نیز نشان داده‌اند اثر رانت منابع طبیعی بر کارآفرینی به کیفیت نهادها و کنترل فساد بستگی دارد. به عنوان مثال در کشور شیلی از نمونه کشورهای مورد بررسی در این تحقیق، کارآفرینی فرصت علی‌رغم برخورداری از رانت بالای منابع طبیعی بالا بوده است که البته بررسی دقیق‌تر

رشد اقتصادی تأثیری مثبت و معنادار بر کارآفرینی فرصت داشته است در حالی که تأثیر آن بر کارآفرینی ضرورت منفی و معنادار بوده است. افزایش رشد اقتصادی در جوامع، موجب افزایش انگیزه برای انجام فعالیت‌های نوآورانه و فرصت‌های کارآفرینی می‌شود. در مقابل، در جامعه‌ای که رشد اقتصادی در سطح بالایی وجود دارد کارآفرینی ضرورت کمتر می‌شود زیرا رشد و شکوفایی اقتصادی به دلیل ایجاد فرصت‌های بالای کارآفرینی و به تبع آن اشتغال مولد، ضرورت اینکه افراد برای رهایی از وضع خود به دنبال ایجاد کسب و کار دیگری از سر اجبار و ناچاری باشند را کاهش می‌دهد. در سطح خطای ۱۰ درصد، کنترل فساد تأثیری مثبت و معنادار بر هر دو متغیر کارآفرینی فرصت و کارآفرینی ضرورت داشته است. بالا بودن میزان فساد و تداوم آن موجب کاهش کارایی اقتصادی و تضعیف تمامی زمینه‌های توسعه کارآفرینی در جامعه می‌گردد. جهت اعتبارسنجی برآورد دو مدل از آزمون سارگان استفاده شده است نتیجه آن در جدول (۳) خلاصه شده است و بیانگر عدم وجود همبستگی سریالی بین ابزارها و جمله خطا است. به این ترتیب بر اساس آزمون سارگان و در سطح خطای ۵ درصد هر دو مدل دارای اعتبار لازم می‌باشند.

جدول ۳. آزمون سارگان

مدل	آماره	P-value
کارآفرینی فرصت	۳۷/۸۹	۰/۲۲
کارآفرینی ضرورت	۳۸/۲۱	۰/۲۱

مأخذ: برآورد تحقیق

۵- بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت کارآفرینی برای توسعه اقتصادی از طریق آثار اشتغال، نوآوری و رفاه مورد تأکید بسیاری از مطالعات قرار گرفته است. رشد کارآفرینی در یک اقتصاد، نیازمند وجود بسترهای نهادی و زیرساختی مناسب است که بتواند توانایی علمی، فنی، حرفه‌ای و فکری یک کشور و به عبارتی قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک جامعه را به ظهور برساند. پویایی‌های کارآفرینی و همچنین ماهیت و ساختار فعالیت‌های کارآفرینی با توجه به ساختار اقتصادی و سطح توسعه در بین کشورهای مختلف متفاوت است. در واقع، فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب‌های کارآفرین با توجه به شرایط و حدهای موجود در جامعه، محدود می‌شود. کارآفرینان با توجه به عوامل محیطی و ساختارهای اقتصادی، انگیزه‌های متفاوتی برای کارآفرینی دارند. گاهی مجبور به نوعی کارآفرینی هستند زیرا گزینه بهتری نمی‌یابند و گاهی

ریشه‌ها و دلایل این موضوع به تحقیق بیشتر در این زمینه نیازمند است.

همچنین، یافته‌های این تحقیق هم‌راستا با نتایج مطالعات فونتلساز و همکاران (۲۰۱۹: ۵)، زبیری (۱۳۹۶: ۱۷۳) و مودتی و همکاران (۱۳۹۷: ۵۲۱) بوده است. در همه این مطالعات این نتیجه حاصل شده است که ساختار اقتصادی (که بر مبنای متغیرهای توضیحی «محیط نهادی» و «ریسک سیاسی» در مطالعات مذکور و «رانت منابع طبیعی» در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار گرفته است) تأثیر متفاوتی بر انگیزه‌های کارآفرینان و در نتیجه فعالیت‌های کارآفرینانه می‌گذارد. به این صورت که تضعیف هر یک از این مؤلفه‌های معرف ساختار اقتصادی، موجب کاهش کارآفرینی فرصت و افزایش کارآفرینی ضرورت می‌گردد.

تفکیک میان تأثیرپذیری کارآفرینی فرصت و کارآفرینی ضرورت از آن جهت مهم است که تفاوت در انگیزه کارآفرینان، موجب تفاوت در عملکرد آنها و نیز تفاوت در رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد. این کارآفرینی فرصت است که عاملی مهم در رشد اقتصادی کشورها محسوب می‌شود چرا که با نوآوری‌های مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته و ایده‌ها، مرزها و قابلیت‌های تولیدی یک اقتصاد را تعیین می‌کنند. در مقابل، کارآفرینی ضرورت، اگرچه فعالیتی غیرمولد محسوب نمی‌شود اما عامل تعیین‌کننده‌ای نیز در شکوفایی و توسعه اقتصادی

منابع

- پاداش، حمید و نیکونستی، علی (۱۳۸۷). نقش نهادها در توسعه کارآفرینی. *دوفصلنامه برنامه و بودجه*، شماره ۱۰۶، ۱۵۴-۱۲۹.
- جوادی، شاهین؛ متوسلی، محمود و یدالهی فارسی، جهانگیر (۱۳۹۵). رانت‌های نفتی، کارآفرینی و ساختار اداری دولت در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۸-۱۲۱.
- چراغی، بابک؛ ترابی، تقی؛ محمدی، تیمور و تقوی، مهدی (۱۳۹۸). بررسی عوامل عدم تحقق رشد اقتصادی پایدار از منظر سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۹، شماره ۳۴، ۹۸-۷۷.
- زبیری، هدی (۱۳۹۶). ریسک سیاسی و کارآفرینی. *اقتصاد مقداری*، دوره ۱۴، شماره ۱، ۲۰۶-۱۷۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و صادقی، حامد (۱۳۹۴). وفور منابع طبیعی و تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای نفتی با تأکید بر آزادی اقتصادی. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۵، شماره ۲۰، ۹۸-۷۹.
- شیراوند، فاطمه؛ مظهری، رضا؛ محمدی خیاره، محسن و توماج، عبدالسعید (۱۳۹۸). بررسی تأثیر عوامل نهادی رسمی و غیررسمی (با تأکید بر ترس از شکست، حاکمیت قانون، کنترل فساد، درک قابلیت کارآفرینانه) بر کارآفرینی و نتیجه آن بر رشد اقتصادی: شواهدی از کشورهای منا. *تحقیقات اقتصادی*، دوره ۵۴، شماره ۱، ۲۳۲-۲۰۹.
- محمدزاده، یوسف؛ رهبر، فرهاد و قهرمانی، هادی (۱۳۹۵). تأثیر رانت منابع طبیعی بر روی توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی کشورهای منتخب جهان). *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، دوره ۲۲، شماره ۶، ۹۸-۷۷.
- مودتی، مهدیه؛ ترابی، تقی؛ محمدزاده، محمود و معمارنژاد، عباس (۱۳۹۷). عوامل نهادی رسمی و غیررسمی، کارآفرینی فرصت‌گرا و رشد اقتصادی به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته. *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، دوره ۱۱، شماره ۳، ۵۳۹-۵۲۱.

محسوب نمی‌شود. مانند راه‌اندازی یک کافه رستوران - که طی سال‌های اخیر در اقتصاد ایران نیز بسیار افزایش یافته است - که اگر چه یک فعالیت کارآفرینی محسوب می‌شود (با توجه به آنکه بسیاری از این جوانان که شروع به این نوع کسب و کار کرده‌اند، فارغ تحصیلان رشته‌های متفاوت و نامرتبط به این نوع فعالیت هستند، در واقع به کارآفرینی ضرورت همت گماشته‌اند، به این معنی که فرصت شغلی مناسب‌تر یا مرتبط با رشته تحصیلی و تخصص‌شان نیافته‌اند) اما این نوع کارآفرینی تأثیر به مراتب متفاوتی با کارآفرینی از نوع راه‌اندازی کسب و کارهای مبتنی بر خلاقیت و تولید کالاهای دانش‌محوری دارد که گستره وسیعی از صنایع و بازارها را در اقتصادها متأثر می‌کنند.

بدین ترتیب، نتایج این تحقیق، نشان می‌دهد یکی دیگر از آثار منفی رانت منابع طبیعی (علاوه بر سایر آثار منفی آن که در ادبیات اقتصادی شناخته شده است) محدود کردن کارآفرینی فرصت و گسترش کارآفرینی ضرورت در اقتصادهاست. بر این اساس، مدیریت رانت منابع طبیعی همراه با کنترل فساد و بهبود ساختار نهادی به منظور فراهم کردن بستر مناسب جهت گسترش کارآفرینی فرصت و در نتیجه رشد و شکوفایی اقتصاد از اهمیت بسزایی در کشورهای غنی از منابع طبیعی برخوردار است.

- Acs, Z. & Audretsch, D. (1988). "Innovation in Large and Small Firms: An Empirical Analysis". *The American Economic Review*, 78(4), 678-690.
- Aidis, R., Estrin, S. & Michiewicz, T. M. (2012). "Size Matters: Entrepreneurial Entry and Government". *Journal of Small Business Economics*, 39(1), 119-139.
- Amiri, H., Samadian, F., Yahoo, M. & Jamali, S. J. (2019). "Natural Resource Abundance, Institutional Quality and Manufacturing Development: Evidence from Resource-Rich Countries". *Resources Policy*, 62, 550-560.
- Anokhin, S. & Schulze W. S. (2009). "Entrepreneurship, Innovation and Corruption". *Journal of Business Venturing*, 24(5), 465-476.
- Arellano, M. & Bond, S. R. (1991). "Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations". *Review of Economic Studies*, 58, 77-297.
- Arezki, R. & Bruckner, M. (2009). "Oil Rents, Corruption, and State Stability: Evidence from Panel Data Regressions". IMF Working Papers, 9, 267.
- Arezki, R. & Van Der Ploeg, F. (2010). "Trade Policies, Institutions and the Natural Resource Curse". *Applied Economics Letters*, 17(15), 1443-1451.
- Auty, R. M. (2001). "Resource Abundance and Economic Development". Oxford University Press, Oxford, UK.
- Avnimelech, G., Zelekha, Y. & Sharabi, E. (2014). "The Effect of Corruption on Entrepreneurship in Developed Vs Non-Developed Countries". *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 20(3), 237-262.
- Baland, J-M. & Francois, P. (2000). "Rent-Seeking and Resource Booms". *Journal of Development Economics*, 61(2), 527-542.
- Baumol, W. (1990). "Entrepreneurship: Productive, Unproductive, and Destructive". *Journal of Political Economy*, 98(5), 893-921.
- Baumol, W. (2002). "The Free-Market Innovation Machine: Analyzing the Growth Miracle of Capitalism". Princeton: Princeton University Press.
- Bjorvatn, K. & Farzanegan, M. R. (2013). "Demographic Transition Resource Rich Countries: A Blessing or a Curse?". *Journal of World Development*, 45, 337-351.
- Blanco, L. & Grier, R. (2012). "Natural Resource Dependence and the Accumulation of Physical and Human Capital in Latin America". *Resources Policy*, 37(3), 281-295.
- Boettke, P. J. & Coyne, C. J. (2003). "Entrepreneurship and development: Cause or consequence?". *Advances in Austrian Economics*, 6, 67-88.
- Bowland, C. (2012). "Resource Abundance in Mozambique: Governance Issues and the Possibility of Violence". <https://prezi.com/.../resource-abundance-in-mozambique-governanc>.
- Buccellato, T. & Alessandrini, M. (2009). "Natural Resources: a Blessing or a Curse? The Role of Inequality". Centre for Financial & Management Studies, Discussion Paper 98.
- Bulte, E. & Damania, R. (2008). "Resources for Sale: Corruption, Democracy and the Natural Resource Curse". *Journal of Economic Analysis & Policy*, ISSN (Online) 1935-1682, DOI: <https://doi.org/10.2202/1935.1682-1890>.
- Busse, M. & Groning, S. (2013). "The Resource Curse Revisited: Governance & Natural Resources". *Public Choice*, 154, 1-20.
- Corden, M. (1984). "Booming Sector and Dutch Disease Economics: Survey and Consolidation". *Oxford Economic Papers*, 36(3), 359-380.
- Coxhead, I. (2007). "A New Resource Curse? Impacts of China's Boom on Comparative Advantage and Resource Dependence in Southeast Asia". *World Development*,

- 35(7), 1099–1119.
- Dipietro, W. R. (2015). “Natural Resource Rental Income and R&D Intensity”. *Advances in Social Sciences Research Journal*, 3(1), 202-208.
- Dutta, N., Sobel, R. S. & Roy, S. (2013). “Entrepreneurship and political risk”. *Journal of Entrepreneurship and Public Policy*, 2(2), 130–143.
- Ebeke, Ch. & Omgeba, L. D. (2015). “Oil Rents, Governance Quality, and the Allocation of Talents in Developing Countries”. CERDI, Etudes et Documents, E 2011.23.
- Farzanegan, M. R. (2012). “Resource wealth and entrepreneurship: A blessing or a curse? (No. 24-2012). Joint Discussion Paper Series in Economics.
- Farzanegan, M. R. (2014). “Can Oil Rich Countries Encourage Entrepreneurship?”. *Entrepreneurship & Regional Development: An International Journal*, 26(9-10), 706-725.
- Fuentelsaz, L., González, C. & Maicas, J. P. (2019). “Formal Institutions and Opportunity Entrepreneurship. the Contingent Role of Informal Institutions”. *BRQ Business Research Quarterly*, 22(1), 5-24.
- Gelb, A. (1988). “Oil Windfalls: Blessing or Curse?”. Oxford University Press for the World Bank, New York.
- Gylfason, T. (2001). “Natural Resources, Education and Economic Development”. *European Economic Review*, 45, 847–859.
- Henrekson, M. (2005). “Entrepreneurship: A Weak Link in the Welfare State”. *Journal of Industrial and Corporate Change*, 14(3), 437-467.
- Lederman, D. & Maloney, W. (2008). “In Search of the Missing Resource Curse”. The World Bank, Policy Research Working Paper, 4766.
- Majbouri, M. (2016). “Oil and Entrepreneurship”. *Energy Policy*, 94, 10-15.
- Mallaye, D., Yogo, T. U. & Timba, G. T. (2015). “Oil Rent and Income Inequality in Developing Economies: Are They Friends or Foes?”. Etudes et Documents, 02, CERDI. http://cerdi.org/production/show/id/1644/type_production_id/1
- Neary, P. & Van Wijnbergen, S. (1986). “Natural Resources and the Macro Economy”. MIT Press, Cambridge.
- Parker, S. C. (2004). “The Economic of Self-Employment and Entrepreneurship”. Cambridge: Cambridge University Press.
- Philippot, L. M. (2010). “Are Natural Resources a Curse for Human Capital Accumulation?”. *Nature Non Technology*, 2(11), 665-671.
- Prebisch, R. (1950). “The Economic Development of Latin America and its Principal Problems”. UN Economic Commission for Latin America, New York.
- Sachs, J. & Warner, A. (1999). “The Big Push, Natural Resource Booms and Growth”. *Journal of Development Economics*, 59(1), 43–76.
- Schumpeter, J. A. (1934). “The Theory of Economic Development”. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Schumpeter, J. A. (2005). “Development”. *Journal of Economic Literature*, 43(1), 108-120.
- Tornell, A. & Lane, P. (1999). “Voracity and Growth in Discrete Time”. *Economic Letters*, 62(1), 139–145.
- Torvik, R. (2002). “Natural Resource, Rent Seeking and Welfare”. *Journal of Development Economics*, 67(2), 455-470.
- Vernon, T. & Kulys, T. (2013). “On Productivity: The Influence of Natural Resource Inputs”. *Commonwealth of Australia*, 27.
- Wick, K. & Bulte, E. (2009). “The Curse of Natural Resources”. *Annual Review of Resource Economics*, 1(1), 139–155.